



به کارگیری نمادهای تاریخی در گفت و شنود اجتماعی

به کارگیری نمادهای تاریخی در گفت و شنود اجتماعی



توانا
TAVANA

آموزشکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران
e-collaborative
for civic education



www.tavaana.org

پروژه

e-collaborative
for civic education

www.eciviced.org

به‌کارگیری نمادهای تاریخی در گفت‌و شنود اجتماعی

روی جلد: تصویری از اعتراضات ایرانیان در جریان خیزش سراسری دی ۱۴۰۴

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

بهار ۱۴۰۵

© E-Collaborative for Civic Education 2026

e-collaborative for civic education

(ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا تحت 501c3 است که از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می‌کند.

ما به عنوان بنیان‌گذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل‌دهنده ایده‌های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان‌طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن‌ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی‌های شهروندی و سیاسی برای تک‌تک شهروندان و امنیت، برابری و عدالت می‌داند. ما دموکراسی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نهادها و فرایندها می‌دانیم که میسر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکرارگرایی و جوامعی شایسته‌سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارج می‌گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزش‌شکده توانا: آموزش‌شکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزش‌شکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره‌های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب‌نويسي، جدایی دین و دولت و توانایی‌های رهبری ارائه می‌شوند. آموزش‌شکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه‌هایی مثل مطالعات موردی در جنبش‌های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با کنشگران و روشنفکران، دستورالعمل‌های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی‌های آموزش‌شکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایران و صداهای حذف‌شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده‌های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه‌نگاری، کنشگری و فناوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هم‌وطنان ایرانی و برساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه‌ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما!

فهرست

۷	مقدمه
۹	یک- نمادها مانند درختان کهنسالند: نیاز به مراقبت دارند
۱۰	دو- نمادها میراث مشترکند، نه مالکیت خصوصی
۱۱	سه- نمادها حامل معنا و ارزش هستند
۱۲	چهار- نمادها در زمان بحران اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کنند
۱۳	پنج- نمادها دورریختنی نیستند
۱۴	شش- از نمادها استفاده کنید
۱۵	هفت- در استفاده از نمادها افراط نکنید
۱۶	هشت- تنوع در برداشت و استفاده از نمادها را بپذیرید
۱۷	نه- نمادها ارزشمند هستند، اما آیا قدسی هم هستند؟

مقدمه

نمادها فقط تصویر، نشان یا طرح‌های گرافیکی نیستند. آن‌ها حامل حافظه جمعی، احساسات انسانی، روایت‌های تاریخی و تجربه‌های مشترک نسل‌ها هستند. انسان‌ها از طریق نمادها با گذشته خود ارتباط برقرار می‌کنند، هویت جمعی می‌سازند و ارزش‌ها، آرزوها و دردهای تاریخی خود را به یکدیگر منتقل می‌کنند. به همین دلیل، نمادها در زندگی اجتماعی و فرهنگی نقشی بسیار فراتر از ظاهر خود دارند.

در بسیاری از جوامع، به‌ویژه در دوره‌های بحران، تغییرات سیاسی، مهاجرت، انقلاب یا شکاف‌های اجتماعی، نمادها به ابزارهایی قدرتمند برای حفظ پیوندهای جمعی تبدیل می‌شوند. مردم از طریق نمادها تلاش می‌کنند میان گذشته و آینده، میان نسل‌های قدیم و جدید و میان تجربه‌های پراکنده فردی نوعی ارتباط مشترک ایجاد کنند. نمادهای ملی، فرهنگی، تاریخی، دینی یا سکولار می‌توانند زمینه‌ای برای همبستگی، همدلی و احساس تعلق فراهم کنند، اما اگر با بی‌مسئولیتی، یا رفتارهای غیرسازنده همراه شوند، ممکن است به عامل تنش و چنددستگی نیز تبدیل گردند یا در مسیری بیفتند که به تخریب یا نابودی نماد بینجامد.

رژیم ولایت فقیه تلاش بسیاری کرد تا نماد ملی ایرانیان، یعنی نماد شیر و خورشید را محو کند یا آن را با معنا و محتوایی منفی پیوند دهد. اما این نماد با گذشت چند دهه از سلطه حکومت اسلامی، نه تنها محو نشد، بلکه در میان بخش بزرگی از ایرانیان بازگشتی

تاریخی داشت.

نمادهایی مانند شیر و خورشید و دیگر نشانه‌های تاریخی و فرهنگی، فقط متعلق به یک نسل، گروه سیاسی یا جریان فکری خاص نیستند. این نمادها از گذر زمان عبور کرده‌اند، معناهای گوناگون یافته‌اند و بخشی از حافظه تاریخی مردم شده‌اند. از همین رو، برخورد با آن‌ها نیازمند دقت، مسئولیت، فروتنی و درک این واقعیت است که نمادهای فراگیر زمانی زنده و ماندگار می‌مانند که بتوانند میان انسان‌ها پیوند ایجاد کنند، نه این که صرفاً به ابزار حذف یا دشمنی تبدیل شوند.

این راهنمای کوتاه برای افرادی تهیه شده است که می‌خواهند درباره نمادهای فراگیر جامعه با نگاهی مسئولانه‌تر، انسانی‌تر و آگاهانه‌تر بیندیشند و گفت‌وگو کنند. هدف این متن دفاع از یک نماد خاص یا تحمیل معنایی واحد بر نمادها نیست، بلکه تلاش برای یادآوری این نکته است که نمادهای ریشه‌دار تاریخی و فرهنگی، بخشی از میراث مشترک جامعه‌اند و نحوه برخورد ما با آن‌ها می‌تواند بر کیفیت همزیستی اجتماعی، احساس تعلق جمعی و حتی آینده فرهنگی یک جامعه تاثیر بگذارد.

یک- نمادها مانند درختان کهنسالند: نیاز به مراقبت دارند

نمادها صرفاً اشیاء یا طرح‌های گرافیکی نیستند. آن‌ها همانند موجوداتی زنده در حافظه جمعی‌اند؛ حامل خاطره، احساس، هویت و تجربه تاریخی. همان‌طور که یک درخت کهنسال ریشه در نسل‌ها دارد، نمادها نیز انسان‌ها را به گذشته، فرهنگ و معنای مشترک پیوند می‌دهند. اما این که یک درخت ریشه‌های گسترده‌ای دارد، به این معنا نیست که نیاز به مراقبت ندارد. مسئولیت مراقبت از یک نماد و معنا یا معنایی که نمایندگی می‌کند به عهده کسانی است که خود را وارثان آن نماد می‌شمرند. می‌توان اندیشید که آیا به خوبی از نماد و معناهای آن مراقبت می‌کنیم؟

دو- نمادها میراث مشترکند، نه مالکیت خصوصی

نمادهای قدرتمند فرهنگی متعلق به افراد متعددی از نسل‌های گوناگون هستند. نمادها زمانی زنده می‌مانند که افراد مختلف بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. به همین دلیل، افراد باید در برابر نماد، از یک سو حسی از تعلق و از سوی دیگر حسی از اشتراک آن با دیگران داشته باشند. این تمرینی برای همبستگی است: نمادها هم برای فرد فرد اعضای جامعه مهم هستند، هم متعلق به هیچ فرد به خصوصی نیستند.

سه- نمادها حامل معنا و ارزش هستند

نماد شباهت بسیاری با واژه دارد: در واقع واژگان هر زبانی، نماد چیزها و اندیشه‌ها هستند. همانند واژه، آنچه به یک نماد قدرت می‌دهد، معناهایی است که مردم به آن پیوند می‌دهند؛ مانند آزادی، کرامت، شجاعت، زیبایی، تداوم تاریخی، مقاومت یا عدالت. بدون این معانی، نمادها به تصاویری خالی تبدیل می‌شوند. به همین دلیل، نقش یک نماد در گفت‌وشنود بین افراد و گروه‌ها، بستگی زیادی به این دارد که در گذر زمان چگونه معنای آن حفظ شده یا تغییر کرده یا اعتلا داده شده است.

باید در نظر داشت که معنی واژه‌ها در طول سال‌ها و قرن‌ها می‌تواند تغییر کند. نمادهای تصویری نیز می‌توانند در زمان‌های گوناگون حامل معناهای متفاوتی شوند. باید از خودمان پرسیم: آیا با نحوه استفاده از نمادی که داریم معنای دوستی، همبستگی، انسانیت و هم‌دلی را منتقل می‌کنیم؟ آیا نحوه استفاده ما از نماد، احترام آن را افزایش می‌دهد؟ یا از ارزش آن می‌کاهد؟

چهار- نمادها در زمان بحران اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کنند

در دوره‌های تنش سیاسی یا اجتماعی، نمادها بار عاطفی بیش‌تری پیدا می‌کنند. آن‌ها می‌توانند میان نسل‌ها، اقشار و گروه‌های مختلف پلی برای ارتباط باشند یا برعکس، شکاف‌ها را عمیق‌تر کنند. از این نظر نماد مانند یک «کلمه کلیدی» است؛ واژه‌ای که محور یک اندیشه یا حرکت اجتماعی است. استفاده بجا از نماد در زمان‌های خاص، مهارتی ویژه نیاز دارد. استفاده بیش از حد یا نابجا از نماد، نقش محوری و کلیدی آن را به خطر می‌اندازد.

پنج- نمادها دورریختنی نیستند

نمادهای تاریخی و فرهنگی بخشی از میراث یک جامعه‌اند. نباید صرفاً به خاطر اختلافات سیاسی یا تغییرات موقت، به‌سادگی تخریب، تحقیر یا فراموش شوند. اگر از یک نماد به‌خوبی مراقبت شود، حتی اگر توسط یک نظام ستمگر ممنوع و جرم‌انگاری شود، نابود نمی‌شود. در واقع این احتمال وجود دارد که یک نماد پس از ممنوع‌شدن قوی‌تر و موثرتر شود.

نکته مهم این است که هیچ چیزی به اندازه استفاده نادرست از نماد آن را نابود نمی‌کند. بار دیگر، همان اصل همیشگی این‌جا نیز درست است: وارثان نماد هستند که مهم‌ترین شکل‌دهندگان به سرنوشت و معنی آن می‌توانند باشند و دشمنان نماد تاثیر کمی در این زمینه دارند.

شش- از نمادها استفاده کنید

نمادی که دیگر دیده و استفاده نشود، به تدریج ارتباط عاطفی خود را با جامعه از دست می‌دهد. اگر نمادی حامل ارزش‌های مهم فرهنگی یا مدنی است، باید به شکلی محترمانه و معنادار در جامعه حضور داشته باشد. با استفاده به موقع و با احترام از نماد، اجازه ندهید معنی و کارکرد آن فراموش شود. استفاده از نماد باید به صورتی باشد که از جایگاه، شأن و اعتبار نماد محافظت شود.

هفت- در استفاده از نمادها افراط نکنید

استفاده بیش از حد و دائمی از نمادها می‌تواند از قدرت عاطفی و شان آن‌ها بکاهد. استفاده بجا، معنادار و متعادل معمولاً تاثیر بیش‌تری دارد. مردم معمولاً از طریق تجربه‌های مثبت با نمادها ارتباط برقرار می‌کنند؛ مانند همبستگی، مهربانی، هنر، مقاومت، نجابت، شجاعت یا رفتار انسانی.

نمادها زمانی قدرتمندتر می‌شوند که به‌اندازه و همراه با رفتارهای سازنده همراه باشند. این امر به‌خصوص در زمینه شکل‌دادن به معنای نماد برای نسل‌های جوان مهم است.

هشت- تنوع در برداشت و استفاده از نمادها را بپذیرید

افراد مختلف ممکن است به دلایل متفاوتی با یک نماد ارتباط برقرار کنند (یا نکنند). برخی به جنبه تاریخی آن علاقه دارند، برخی به زیبایی فرهنگی‌اش و برخی به معنای سیاسی آن. جامعه بالغ این تنوع را تحمل می‌کند. نمی‌توان و نباید یک نماد را به همه تحمیل کرد؛ این کار از ارزش نمادین آن می‌کاهد.

تقویت یک نماد لزوماً به معنای تحقیر یا تضعیف نمادهای دیگر نیست. احترام متقابل به نمادها می‌تواند فرهنگ مدنی سالم‌تری ایجاد کند و از درگیری‌های هزینه‌ساز جلوگیری کند.

نه- نمادها ارزشمند هستند، اما آیا قدسی هم هستند؟

این نکته مهم است که گرچه یک نماد می‌تواند برای گروهی از مردم بسیار ارزشمند باشد، اما اگر به آن محتوایی قدسی یا شبه-مذهبی بدهیم، آن وقت ممکن است کارکردی ضد خودش پیدا کند. مدارا به این معنا است که بپذیریم هر اختلافی بر سر نمادها به معنای تهدیدی وجودیتی نیست. جامعه بالغ می‌تواند تفاوت، نقد یا حتی شوخی و بازتفسیر و اختلاف‌نظر درباره نمادها را تحمل کند، بدون آن‌که بر اثر نفرت یا خشونت فرو بپاشد. نسبت‌دادن معنایی خداگونه به یک نماد ممکن است به این منجر شود که آن نماد به جای همبستگی، بیش‌تر به اختلاف حتی میان گروه‌های همراه و هم‌دل منجر شود. یک جامعه بالغ، ضمن حس احترام و ارزشمندی برای نماد خود، با متانت یا نقد و گفت‌و شنود در زمینه آن را نیز مدارا می‌کند.

